پژوهش دینی

شمارهٔ ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۲۳۷ـ۲۵۷ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 41, Autumn & Winter 2020/2021

ارزیابی رویکرد عارفان در معنای تقوا و مراتب سلوکی آن با سنجه قرآن و حدیث

محمد میری[۱]، حامد آل‌یمین[۲]، سیدمحمدرضا موسوی‌فراز[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱۲ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۱)

چکیده

پس از تأکیدهای فراوان آموزه‌های قرآنی و حدیثی بر دستور تقوا عارفان مسلمان با توجه به شریعت اسلامی توجه زیادی را به این مقوله داشته‌اند. پژوهش پیش‌رو به روش تحلیلی ـ کتابخانه‌ای به بررسی تعریف و مراتب تقوا از دیدگاه شریعت و عرفان اسلامی می‌پردازد. اصل معنای لغوی تقوا، یعنی «خودنگهداری از گزندِ بدی‌ها» در تعریف عارفان از تقوا، به پیروی از آموزه‌های دینی ملحوظ است. در آموزه‌های دینی اموری همچون «پرهیز از شرک»، «پرهیز از گناه»، «پرهیز از شبهات»، «پرهیز از حلالِ مازاد بر ضرورت» و «پرهیز از غیر حق» را می‌توان به عنوان مراتب و سطوح گوناگون تقوا مشاهده کرد. اهل معرفت نیز در تبیین و توضیح مراتب تقوا، به پیروی از آموزه‌های دینی بهترین تحلیل از مراتب مذکور را در نوشته‌های خود ارائه داده‌اند، بنابراین دیدگاه عارفان در این‌باره با میزان شریعت و آموزه‌های قرآنی و حدیثی تطابق داشته و می‌توان از آثار آنان در تفسیر و تحلیل قرآن و حدیث بهره گرفت.

کلید واژه‌ها: تقوا، عرفان عملی، احادیث عرفانی، آیات عرفانی

۱. استادیار دانشکده و اندیشه معارف دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ m.miri57@ut.ac.ir
۲. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ aleyamin@ut.ac.ir
۳. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ m.mosavi@ut.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

۱- مقدمه

عارفان راستین از صدر تاریخ عرفان اسلامی بر ضرورت پیروی از شریعت، در همه مراحل سلوک، تصریح و تأکید داشته‌اند و این پافشاری آنها بر پیروی کامل از دین با عنوان قاعده «تطابق شریعت، طریقت و حقیقت» شناخته شده است. مضمون این قاعده مهم آن است که سالک هیچگاه حق ندارد در طریقت سلوکی خود پا را از دایره شریعت و دستورات دینی فراتر بگذارد و تنها در سایه رعایت کامل و مو به موی دستورات شریعت و ضوابط طریقت است که چشم سالک می‌تواند به حقائق عالم هستی باز شود. در این راستا تقوا به عنوان یکی از مهمترین معیارهای رعایت شریعت مورد تاکید عارفان بوده است.

اگرچه همه دانشمندان اسلامی با روی‌کردهای مختلف و در نحله‌های گوناگون بر ضرورت تقوا تأکید داشته‌اند اما در این میان اهل معرفت بیش از دیگران به این مقوله پرداخته‌اند، از این‌رو بایسته است که برداشت و شرح و توضیحات ایشان از تعریف این مفهوم متعالی و مراتب آن با قرآن و سنت ـ که به تصریح عارفان میزان سنجش نظرات ایشان است ـ بازکاوی گردد.

بنابراین پژوهش پیش‌رِو تلاش می‌کند تا هماهنگی شریعت و طریقت را در باب منزل عرفانی تقوا بررسی نماید[۱] و میزان هماهنگی میان اقوال عارفان و آیات و روایات را نشان دهد. حداقل فایده این دست از تحقیقات، تبیین و تحلیل قاعده بسیار مهم هم‌آهنگی شریعت و طریقت از نگاه عرفان اصیل اسلامی است. شریعت و اصول آن، قانون اساسی عرفان راستین[۲] است و هر چه این قاعده روشن‌تر شود کار راهزنان و مدعیان دروغین در

---

۱. نگارنده نظیر این کار را پیشتر در مورد منزل عرفانی یقظه انجام داده است. (نکـ مقاله: «مقایسهٔ تطبیقی آموزه‌های روایی با مبانی عرفان عملی دربارهٔ منزل سلوکی «یقظه» با تأکید بر کتاب منازل السائرین» نشریه علمی پژوهشی انوار معرفت، بهار و تابستان ۱۳۹۸. شماره ۱۶)

۲. منظور از «عرفان راستین» ساحت متعالی، معنوی و باطنی دین است که مرتبه‌ای از شریعت و آموزه‌های دینی، ما را به سوی آن فرامی‌خواند. بنابراین «عرفان راستین» در مقابل تصوّف بدون فقه و شریعت، معنویت‌های نوظهور و منهای خدا، عرفان‌های کاذبِ شریعت‌گریز و... است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

به یغما بردن سرمایه معنوی شیفتگان راه حق و حقیقت مشکل‌تر خواهد شد.[۱]

۲- مفهوم‌شناسی «تقوا» در لغت و اصطلاح

در این بخش نخست واژه تقوا را بررسی کرده و سپس به معنای اصطلاحی تقوا در لسان شریعت، یعنی قرآن و حدیث، و در لسان عارفان می‌پردازیم تا در نهایت بتوانیم به ارزیابی تعریف عارفان بر اساس دیدگاه شریعت برآییم.

۲-۱. معنای «تقوا» در لغت

تقوا، از مصدر وقایه و ریشه «و ق ی»، در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. (ابن‌منظور، ۴۰۲/۱۵) در این‌که این کلمه در اصل، «تَقْیا» بوده که یاء آن تبدیل به واو شده یا «وَقْوَی» بوده که واو آن به تاء تبدیل شده است میان صاحب‌نظران علم صرف، اختلاف است همچنانکه در این که وزن این کلمه، «فَعُول» باشد یا «فَعْلی» نیز اختلافاتی وجود دارد. (حسینی زبیدی، ۳۰۵/۲۰) این اختلاف‌نظرها در وزن و اشتقاق کلمه، به اصل معنایی تقوا سرایت نکرده و همه لغویین معنای تقوا را به نوعی محافظت کردن و خودنگاهداری برگردانده‌اند. چنانکه راغب می‌نویسد: «حقیقت معنای تقوی آن است که انسان نفس و جان خود را از آنچه که بیمناک از آن است نگهدارد.» (راغب اصفهانی، ۸۸۱/۱)

ترجمه مشهور واژه تقوا در فارسی، واژه «پرهیز» است[۲] چنانکه جارالله زمخشری حدود

---

۱. درباره پیشینه این پژوهش می‌توان گفت: اهتمام فراوان آموزه‌های دینی به مقوله تقوا موجب شده تا تحقیقات بسیاری در طول تاریخ درباره تقوا شکل بگیرد. مفسران در تفسیر آیات تقوا و شارحان حدیث در شرح احادیث این باب نوشته‌های فراوانی دارند و حتی پژوهش‌های فراوان مستقلی نیز پیرامون تقوا از دیدگاه شریعت به نگارش درآمده است. از سوی دیگر، اهل معرفت نیز به پیروی از شریعت، به مبحث تقوا توجه ویژه‌ای داشته‌اند و در آثار عرفانی خود به مناسبت، به این مقوله پرداخته‌اند و حتی چنانکه خواهد آمد ابن‌عربی اثری مستقل با عنوان «مراتب التقوی» دارد. با این حال پژوهش مستقل و یا معتنابهی که به مقایسه تطبیقی و تحلیلی دو دیدگاه شریعت و عرفان اسلامی پیرامون تعریف و مراتب تقوا و سنجش تعریف تقوا و مراتب آن از دیدگاه عارفان با میزان قرآن و حدیث پرداخته باشد به چشم نمی‌خورد. و همین نکته، جنبه نوآوری پژوهش پیش‌رو را رقم می‌زند.

۲. شهید مطهری معتقد است پرهیز، معنای التزامی، و نه مطابقی لغت تقوا است. (مطهری، ۶۸۸/۲۳)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

نهصد سال پیش، تقوا را به پرهیز ترجمه کرد. (زمخشری، ۲۴۴؛ همچنین نک: تهانوی، ۵۰۱/۱ و قرشی، ۲۳۶/۷) احادیثی همچون «التّقوی اجتناب» (تمیمی آمدی، ۲۴) و «لَا یَبْلُغُ عَبْدٌ أَنْ یَکُونَ مِنَ الْمُتَّقِینَ حَتَّی یَدَعَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَذَراً لِمَا بِهِ الْبَأْسُ» (ابن‌شعبه حرانی، ۶۰) می‌تواند مؤید ترجمه لغت تقوا به پرهیز باشد.

۲-۲. معنای تقوا در قرآن و حدیث

بسیاری از دانشمندان علم اصول فقه در مبحث «حقیقت شرعیه» بر این باورند که الفاظ عبادات همچون «صلاة»، «صوم»، «حج» و... دارای وضع جدیدی در لسان و عرف شریعت اسلام نیستند، بلکه اصل این عبادات در شرایع سابقه هم وجود داشته است بنابراین اعمالی همچون صوم و نماز و الفاظ دالّ بر آنها از پیش از اسلام وجود داشته است و لذا شارع، الزامی برای وضع الفاظ جدید برای این معانی نداشته است. (آخوندخراسانی، ۲۱؛ بروجردی، ۶۴/۱) بر پایه این مبحث اصولی می‌توان گفت: الفاظی همچون تقوا، توبه و... نیز در شریعت اسلام، دارای وضع جدیدی نیستند، بلکه حقایقی همچون توبه و تقوا، ریشه در عمق تاریخ بشریت دارد، چنانکه به گواهی قرآن، حضرت آدم علیه‌السلام، به درگاه خداوند «توبه» کرد: «**فَتَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ**» (البقره، ۳۷) و فرزندش هابیل در جرگه «متّقین» قرار داشت: «**إِذْ قَرَّبا قُرْباناً فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِما وَ لَمْ یُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قالَ لَأَقْتُلَنَّکَ قالَ إِنَّما یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ**» (المائده، ۲۷). به دیگر سخن، حقیقت تقوا و پرهیزکاری، همزاد با تاریخ بشریت بوده و امر جدیدی نیست تا شارع بخواهد در اسلام، اصطلاح جدیدی برای آن وضع نماید.

به این ترتیب دور نخواهد بود اگر بگوییم واژه تقوا در لسان شریعت نیز به همان معنای لغوی خود یعنی «صیانت از خطرات و پرهیز از آن» به کار رفته است؛ و البته به اقتضای مناسبت حکم و موضوع، تقوا در آموزه‌های دینی به معنای «صیانت از خطرات معنوی و پرهیز از آن» می‌باشد. راغب اصفهانی در توضیح معنای تقوا مطلبی را نقل می‌کند که

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

می‌تواند گواه خوبی بر این مدّعا باشد. او می‌نویسد: شخصی از ابوهریره خواست تا تقوا را برای وی تعریف کند. ابوهریره از او پرسید: هنگامی که در زمینی پر از خار قرار می‌گیری چگونه راه می‌روی؟ او پاسخ داد: «أَتَوَقّی و أَتَحَرَّز» یعنی با پرهیز و احتراز از خارها قدم برمی‌دارم. ابوهریره به او گفت: «اتّق من الدنیا هکذا؛ فهذه التقوی.» یعنی: تقوا آن است که همانگونه که از خارها می‌پرهیزی از دنیا هم در پرهیز باشی.[۱] (راغب اصفهانی، ۴۱۱/۲؛ شیخ بهایی، ۱۲۷/۳) چنانکه پیدا است ابوهریره برای توصیف و تعریف تقوای مورد نظر شریعت، از همان معنای لغوی تقوا استفاده کرد. ایزوتسو نیز بر این باور است که معنای این آموزه قرآنی به ابتدایی‌ترین معنای این واژه در میان عرب پیش از اسلام برمی‌گردد (که لزوماً معنای دینی یا اخلاقی نداشته است) یعنی شخص میان خود و چیزی که از آن می‌ترسد، حایل و مانعی قرار دهد تا از گزند آن حفظ شود. آیاتی همچون «سَرابیلَ تَقیکُمُ الْحَرّ» ناظر به این معنا است. (ایزوتسو، ۳۰۵)

نتیجه، آن که اصل و روح معنای واژه تقوا در لسان شریعت نیز ملحوظ است و نباید به این واژه در لسان قرآن و حدیث به مثابه یک اصطلاح خاصِ دینی با یک معنای قراردادی متفاوت از اصل معنای لغوی آن نگاه کنیم. تقوا به معنای صیانت از نفس و محافظت از خود در مقابل هر امر مخاطره‌آمیز و خوفناک است. این مفهوم، می‌تواند مصادیق گوناگونِ مادی و معنوی داشته باشد. همانگونه که احتراز از خارهای بیابان هنگام راه‌رفتن در آن، نوعی تقوا است، پرهیز از گناهان و دنیاپرستی نیز نوع دیگری از تقوا در ساحت معنوی انسان است.

و اینگونه است که در احادیث وارده در تعریف و تبیین تقوا از واژه‌هایی همچون «حرز»، «حصن» و «جُنَّة» که اشاره به همان روح و اصل معنای تقوا دارند[۲] استفاده شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: تقوا محکم‌ترین حفاظ و سپر است: «إِنَّ التَّقْوَی

---

۱. این تعریف ابوهریره می‌تواند برداشتی تحلیلی از تعریف امام علی علیه‌السلام باشد آنجا که فرمود: «بدانید گناهان چون اسبان سرکشند که افسار گسیخته سواره‌های خود (گناهکاران) را به پیش می‌برند تا به جهنم وارد کنند. آگاه باشید که تقوا مرکب‌های فرمانبرداری است که مهارشان به دست سواره‌های آنها سپرده شده، در نتیجه آنان را وارد بهشت می‌نمایند.» (کلینی، ۸/ ۶۷)

۲. چون هر کدام از «حرز»، «حصن» و «جُنَّة» در واقع عامل حفاظت از خود در برابر خطر است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

أَفْضَلُ کَنْزٍ وَ أَحْرَزُ حِرْزٍ.» (طوسی، ۶۸۴) «إِنَّ التَّقْوَى فِی الْیَوْمِ الْحِرْزُ وَ الْجُنَّةُ» (شریف الرضی، ۲۸۴) در تصنیف غرر الحکم احادیث متعددی تحت عنوان حصن و دژ بودن حقیقت تقوا نقل شده است. که از جمله آنها حدیث «أَمْنَعُ حُصُونِ الدِّینِ التَّقْوَى.» (تمیمی آمدی، ۲۷۰) است.

گواه دیگر ما بر این ادعا که تقوا یک اصطلاح با معنای خاص و متغایر از معنای لغوی خود نیست آن است که همانگونه که راغب اصفهانی لغت تقوا را به نگاهداری انسان، خود را از آنچه که بیمناک است ترجمه کرده است (راغب اصفهانی، ۸۸۱/۱) امام علی علیه‌السلام نیز تقوا را به نگاهداری انسان، خود را از آنچه که او را گناهکار می‌کند تعریف فرموده است: «التَّقْوَى أَنْ یَتَّقِیَ الْمَرْءُ کُلَّ مَا یُؤْثِمُه[1]»[2] (تمیمی آمدی، ۲۶۸)

به این ترتیب روشن شد که تقوا در لسان شریعت، آن است که انسان با رعایت واجبات و محرمات الهی، خود را از آنچه در ساحت معنویت انسانی، بیمناک است صیانت کند. و این همان محتوای تعریفی است که امام صادق علیه السلام از تقوا ارائه داده است. شخصی از ایشان در مورد تعریف تقوا پرسید و ایشان در پاسخ فرمودند: «أَنْ لَا یَفْقِدَکَ اللَّهُ حَیْثُ أَمَرَکَ وَ لَا یَرَاکَ حَیْثُ نَهَاکَ.» (مجلسی، ۲۸۵/۶۷)

خلاصه سخن آن که با توجه به معنای تقوا در لغت، امیر المؤمنین علیه السلام با تأکید بر صیانت از آلودگی به گناه، معنای مطابقی تقوا را تبیین کرده و امام صادق علیه السلام با تأکید بر رعایت دستورات الهی، لازمِ بیّنِ آن را تحلیل فرمود.

دانشمندان اسلامی معمولا در تعریف تقوا متأثر از همین محتوا هستند چنانکه شیخ طوسی در مقام تعریف تقوا، به هر دو معنای مطابقی و استلزامیِ مستفاد از دو حدیثِ پیش‌گفته اشاره کرده است. او ابتدا ضمن اشاره به معنای لغوی، تقوا را به صیانت خود از

---

۱. خود راغب نیز در ادامه تشریح تقوی می‌نویسد: «و صار التَّقْوَى فی تعارف الشّرع حفظ النّفس عمّا یؤثم» (راغب اصفهانی، ۸۸۱)

۲. با عنایت به این نکته که چیزی خطرناک‌تر و تباه‌کننده‌تر از گناه برای واقعیت معنوی انسان نیست (چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ شَیْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِیئَة» (کلینی، ۲۶۸/۲)) روشن می‌شود که امام علی علیه‌السلام در تعریف خود از تقوا در واقع، مصداق بارز و اتمّ تقوا به همان معنای لغوی آن را توضیح فرموده‌اند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

عذاب الهی تعریف کرده و سپس در تعریفی دیگر، با اشاره به معنای استلزامی، تقوا را اجتناب از محرّمات و محترم شمردن واجبات الهی دانسته است. (طوسی، ۵۴/۱)

۲-۳. معنای تقوا در عرفان اسلامی

به پیروی از آموزه‌های دینی که به فراوانی از تقوا سخن به میان آورده‌اند در آثار عارفان نیز از ابتدا تقوا یک آموزه دائر و سائر بوده است. اهل معرفت نیز در مباحث خود به تقوا به عنوان یک اصطلاح جدید، مغایر با معنای لغوی و شرعی آن، نظر نداشته‌اند. به دیگر سخن، روح و اساس معنای تقوا که همان خود نگهداری و پرهیز است در تقوای مورد نظر عارفان نیز ملحوظ و مشهود است. و اینگونه است که عارفان برای توضیح و تشریح مقام تقوا ابتدا به معنای لغوی آن اشاره می‌کنند و سپس همان اصل معنایی را در توضیحات خود، حفظ می‌کنند.

حارث محاسبی (متوفای ۲۴۳ ق) که بخش‌هایی از نوشته‌های خود را به مباحث تقوا اختصاص داده و تحت عناوین «باب معرفة التقوی و ما هی؟» و «باب شرح التقوی» به تعریف و توضیح تقوا پرداخته است (نکـ: محاسبی، ۵۱-۶۰[۱]) بازگشت معنای لغوی تقوا را به دو امر «خوف[۲]» و «حذر» می‌داند. او معنای تقوا را در جایی می‌داند که انسان از چیزی بترسد و در نتیجه، برای محافظت از خود در برابر آن، از آن بر حذر و در پرهیز باشد. محاسبی مقام سلوکی تقوا را نیز بر این پایه با دو مؤلفه «خوف» و «حذر» تبیین می‌کند. (محاسبی، ۵۲[۳])

مستملی نیز همین دو مؤلفه اساسی را در معنای لغوی تقوا اخذ کرده و در تبیین و

---

۱. همچنین وی در کتاب الوصایا نیز تحت عنوان «الباب الأول فی دلائل التقوی، و فساد الدین» مباحثی درباره تقوا دارد. نکـ: محاسبی، ۶۵

۲. راغب نیز به این معنای تقوا اشاره کرده است. نکـ: راغب اصفهانی، ۸۸۱

۳. ان التقوی إنما کان أصلها الخوف و الحذر من اللّه جل و عز: و کذلک یقول اللّه عز و جل: وَ لِمَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ جَنَّتانِ (الرحمن، ۴۶) وَ أَمَّا مَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوی. (النازعات، ۴۰) فأخبر العلیم أن الخوف کان قبل التقوی. و العرب مجمعة فی لغتها علی أنه إذا أمر بعضها بعضا بالاتقاء من شیء قال: احذر السبع، احذر الجدار، احذر البئر، أی احذر، فتجنّب ما أحذّرک.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

تحلیل منزل عرفانی تقوا از آن بهره برده است. او تصریح می‌کند که اصل تقوی بر دو معنا است: «ترسیدن» و «پرهیز کردن». و البته هر دو معنا به یک حقیقت بازمی‌گردد، زیرا هرکس که از کسی بترسد از مخالفت با او و از آزار رساندن به او حذر می‌کند. مستملی پس از تحلیل معنای لغوی تقوا می‌نویسد: چون معنی تقوی این باشد اکنون تقوای بنده از خداوند بر دو معنی باشد: یا خوف باشد از عقاب یا از فراق. و نشان این تقوی آن باشد که اوامر و نواهی حق را خلاف نکند و حقوق و حدود صحبت نگاه دارد تا مستوجب عقاب نگردد. و اگر خوف فراق باشد از دون حق پرهیز کند و با دون او نیارامد تا از حق جدا نماند. و این هر دو که یاد کردیم بر مراتب است. (مستملی بخاری، ۱۲۷۵/۳)

گویا خواجه نصیر الدین طوسی نیز در تعریفی که از تقوا ارائه داده است ناظر به همین دیدگاه است؛ و به همین خاطر، هر دو مؤلفه «بیم» و «پرهیز» را در تعریف خود لحاظ کرده می‌نویسد: «تقوی پرهیز باشد از معاصی از بیم خشم خدای تعالی و دوری از او» (طوسی، ۳۹).

قشیری هم در تعریف مقام تقوا از لغت بهره می‌گیرد. وی با اشاره به این کلام عرب که: «اتّقی فلان بترسه» یعنی فلانی با سپرش خود را محافظت کرد، حقیقت تقوا را به محافظت از خود در مقابل عقوبت الهی تعریف کرده است. و البته روح معنای «محافظت از خود» را می‌توان در مصادیق گوناگونی که در ادامه ذکر کرده است، یعنی محافظت از خود در مقابل شرک، و سپس در مقابل گناه و سپس در مقابل شبهات و در نهایت در مقابل هر امر غیرضروری، مشاهده نمود. (القشیری، ۱۸۸[۱]) موارد بسیار دیگری از سخنان اهل معرفت را می‌توان پیدا کرد که در آنها برای توضیح و تحلیل منزل عرفانی تقوا از معنای لغوی آن بهره برده‌اند. (برای نمونه نکـ: اوزجندی، ۱۱۰؛ الرازی، ۱۱۹؛ حقی بروسوی، ۳۰/۱ و ۱۳۲/۷ و...)

با مراجعه به آثار عرفانی، همچنین خواهیم دید که اهل معرفت در تبیین، تحلیل و

---

۱. او می‌نویسد: «و حقیقة التقوی التحرز بطاعة اللّه عن عقوبته؛ یقال: اتقی فلان بترسه. و أصل التقوی: اتقاء الشرک؛ ثم بعده: اتقاء المعاصی و السیئات، ثم بعده اتقاء الشبهات؛ ثم یدع بعده الفضلات.» این سخن قشیری را می‌توان در برخی آثار پس از وی نیز مشاهده کرد. نکـ: میبدی، ۴۵/۱؛ الیافعی، ۳۷۴/۱؛ الانصاری، ۲۳۴/۲.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

تشریح مقام تقوا به فراوانی، به آیات و روایات پیرامون تقوا تمسک جسته‌اند. استشهاد عارفان به آیات و روایات تقوا در توضیح چند و چون این منزل آنقدر فراوان است که ما را از آوردن نمونه‌هایی از آن در اینجا بی‌نیاز می‌سازد.

۲-٤. ارزیابی و تحلیل رویکرد عارفان در تعریف تقوا با سنجه قرآن و روایات

با تأمل در تعریف آموزه‌های دینی از تقوا روشن شد که قرآن و حدیث، معنای جدید و متفاوتی از معنای لغوی تقوا اراده نکرده‌اند و به تصریح روایات، تقوا چیزی جز خودنگهداری از آلودگی به گناهان و پرهیز از زیرپاگذاشتن دستورات خداوند نیست.

در تعریف‌های ارائه شده از سوی عارفان نیز به فروانی، اشاره آنها به معنای لغوی تقوا و بهره‌بردن از لغت در تعریف تقوا به چشم می‌خورد. خلاصه تعریفی که عارفان از تقوا دارند، پرهیز از ارتکاب معاصی و نزدیک نشدن به گناهان نهی‌شده از سوی خداوند است. آنها در این تعریف، ضمن نگاه به لغت تقوا به آیات و روایات فراوانِ تقوا نیز نظر دارند. از این نکته که اهل معرفت در توضیح مراد خود از منزل تقوا به معنای لغوی تقوا اشاره داشته و همچنین به احادیث گوناگون پیرامون تقوا تمسک کرده‌اند چنین بر می‌آید که عارفان نیز در صدد ساختن اصطلاح جدید و مغایری از تقوا نبوده‌اند، بلکه در تعریف خود از منزل تقوا، پیرو شریعت بوده‌اند.

۳- مراتب تقوا

پس از بررسی معنای تقوا از نگاه قرآن و حدیث و سنجش سخن عارفان در این‌باره با میزان شریعت، نوبت به بررسی نگاه آموزه‌های دینی به مراتب تقوا می‌رسد تا بتوانیم پس از آن سخن اهل معرفت در این باب را نیز با ترازوی قرآن و حدیث مورد ارزیابی قرار دهیم.

۳-۱. مراتب تقوا از نگاه آموزه‌های دینی

آیات و روایات باب تقوی نشان دهنده وجود مراتب و درجات در این مفهوم از دیدگاه شریعت است. برای نمونه آیه شریفه «**یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقاتِهِ**» (آل‌عمران،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

۱۰۲) به روشنی ما را به حقیقی‌ترین مرتبه تقوا که قرآن آن را «حق تقوا» می‌نامد فرامی‌خواند. و البته از محتوای آیه چنین برمی‌آید که مراتبی از تقوا، پایین‌تر از این مرتبه متعالی هم وجود دارد. (طباطبایی، ۶۴/۳ و۳۶۷)

آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ» (الحجرات، ۱۳) نیز در دل خود اشاره به این مطلب مهم دارد که همه مردم در یک مرتبه از تقوا قرار ندارند و ملاک و معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها نزد خداوند متعال میزان تقوایی است که هر کس در خود تحصیل کرده است. بنابراین تقوا، از پایین‌ترین مراتب خود آغاز شده و تا بالاترین مراتب قرب الهی ادامه می‌یابد.

همچنان که بسیاری از آموزه‌های دینی اشاراتی به متعالی‌ترین سطوح تقوا دارند امام علی علیه السلام در حدیث شریفی به پایین‌ترین مرتبه‌های تقوا اشاره کرده‌اند. ایشان مخاطبان خود را سفارش می‌کنند که قدر تقوا را هر چند به میزان اندک، بدانند و هیچگاه جانب آن را از دست ندهند: «اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التُّقَى وَ إِنْ قَلَّ وَ اجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْراً وَ إِنْ رَقّ.» (شریف الرضی، ۵۱۱) از خدا بترس هر چند اندک، و میان خود و خدا پرده‌ای قرار ده هر چند نازک.

مطابق این حدیث شریف، یکی از مصادیق کمترین حد از تقوا آن است که انسان به حرمت جایگاه خداوندگار، چنان بی‌حیا و پرده‌دَر نباشد که هیچ حریم و پرده‌ای میان خود و پروردگار نگاه نداشته باشد. به فرموده امیر المؤمنین علیه السلام همین مقدار از تقوا نیز بهره خود را به صاحبش خواهد رساند.

امام صادق علیه السلام در حدیث شریفی تقوا را به سه درجه تقوای خاص الخاص، تقوای خاص و تقوای عام تقسیم کرده است.[۱] (مصباح الشریعه، ۳۸) مطابق این حدیث، عوام از ترس عقاب الهی، حرام را ترک می‌کنند و خواص، به اقتضای تقوای برتر خود،

---

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: تَقْوَى بِاللَّهِ فِي اللَّهِ وَ هُوَ تَرْكُ الْحلال فَضْلًا عَنِ الشُّبْهَةِ وَ هُوَ تَقْوَى خَاصِّ الْخَاصِّ؛ وَ تَقْوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ تَرْكُ الشُّبُهَاتِ فَضْلًا عَنِ الْحَرَامِ وَ هُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ؛ وَ تَقْوَى مِنْ خَوْفِ النَّارِ وَ الْعِقَابِ وَ هُوَ تَرْكُ الْحَرَامِ وَ هُوَ تَقْوَى الْعَامِّ.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

افزون بر حرام، شبهات را نیز ترک می‌گویند و اما خاص الخاص کسی است کـه والاتـرین مرتبه تقوا را داشته و در نتیجه جز خدا نمی‌خواهد و حتی حلال را نیز ترک کرده است.[۱]

در متون اسلامی، تحلیل و دسته‌بندی مراتب تقوا معمـولا متـأثر از ایـن حـدیث امـام صادق علیه السلام بوده است. (برای نمونـه نکـــ : صـدرالمتالهین، ۶۸/۲؛ نراقـی، ۱۸۶/۲؛ قاضی سعید قمی، ۱۱۲/۱؛ کربلایی، ۲۷۶/۳؛ مظاهری، ۲۳۰/۱؛ جوادی آملی، ۱۵۵/۲)

تحلیل مشهور دیگری نیز وجود دارد که بسیاری از دانشمندان اسلامی در تبیین مراتـب تقوا به آن اشاره داشته‌اند. در این تحلیل، مرتبه نخسـت تقـوا پرهیـز از شـرک و ورود در دایره ایمان است که انسان را از ورطه عذاب جاویدان الهی می‌رهاند. مرتبه دوم، اجتناب از آلودگی به گناهان است و مرتبه سوم، خودنگهداری از هر چه جز خدا است. ایـن نحـوه از دسته‌بندی مراتب تقوا نیز تحلیلی ریشه‌دار و پرطرفدار در میان دانشمندان اسـلامی اسـت. این دسته‌بندی از یک معیار و ملاک منسجمِ منطقی پیروی می‌کند که احتمالا همـین رنـگ و روی منطقیِ آن دلیل شهرتش در نوشته‌های مرتبط با تقوا است. در واقع، تقوا نوعی پرهیـز و خودنگهدای انسان در قبال خداوند است. این معنا و معیـار، خـود را در نخسـتین مرتبـه، در چارچوب پرهیز از شرک و عقاید ناصواب و ورود به جرگه ایمان نشان می‌دهد، زیرا ایمـان، نخستین چیزی است که انسان را از خشم و عقاب خدا می‌رهاند. از آنجا کـه پـس از ایمـان، برای رهایی از ناخشنودی خدا باید از گناه نیز پرهیز داشت، مرتبه دوم تقوا، اجتنـاب از گنـاه است. اما مسیر تقوا و خودنگهداری به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه انسان با ارتقا در مراتب تقـوا به حدّی از معنویت و تقرّب الی الله نائل می‌آید که در نهایت، به این نتیجه می‌رسـد کـه بایـد خود را از اشتغال به هر چه جز خدا، محفوظ نگه دارد و این بالاترین مرتبه تقوا است.

بیضاوی (متوفای ۶۸۵) یکی از نخستین کسانی است که به این دسته‌بنـدی تحلیلـی از

---

۱. ملاصدرا حدیثی را که در آن متقیان را ترک‌کننده امور حلالِ غیر ضرور معرفی می‌کند، مؤید ایـن فـراز از حـدیث امام صادق علیه‌السلام دانسته است. و قد جاءت التقوی بمعنی اجتناب فضول الحلال، و هو مـا روی فـی المشـهور عن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله: إنّه قال: «إنّما سمّی المتّقون متّقین لترکهم ما لا بأس به حذرا عما به بأس (نکـ : ابن شعبه حرانی، ۶۰)». (صدرالمتالهین، ۵۴/۲)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

تقوا اشاره داشته است. او تأکید می‌کند که تقوا یعنی خودنگهداری و صیانت از هر چه که در معنویت و آخرت انسان، تأثیر مخرّب دارد و با این نگاه، سه مرتبه مزبور از تقوا را تبیین می‌کند. وی با استناد به آیه شریفه «**وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوى**» (الفتح، ۲۶) که درباره مؤمنانی است که صف خود را از کفار جدا ساخته‌اند، مرتبه نخست تقوا را احتراز از عذاب ابدی الهی، با دوری‌جستن از شرک، معرفی می‌کند. بیضاوی در ادامه، دومین مرتبه تقوا را پرهیز از گناهان دانسته و آیه شریفه «**وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَاتَّقَوْا**» (الاعراف، ۹۶) را در این مرتبه تحلیل می‌نماید. او در نهایت، با استناد به آیه شریفه «**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقاتِهِ**» (آل‌عمران، ۱۰۲) بالاترین مرتبه تقوا را احتراز از هر چه که درون و سرّ انسان را به غیر خدا مشغول سازد معرفی کرده و تأکید می‌کند که مصداق بارز تقوای حقیقی و مطلوب نهایی خداوند از متّقی همین مرتبه است. (البیضاوی، ۳۶/۱)

باید دقت داشت که این تحلیل دوم در دسته‌بندی مراتب تقوا نیز ریشه در روایات دارد. نگارنده نخستین اشارات به این دسته‌بندی را در نوشته‌های حارث محاسبی (متوفای ۲۴۳ق) پیدا کرده است. وی در مقام تبیین و تحلیل تقوا با استناد به روایتی در این زمینه، ابتدایی‌ترین مرتبه تقوا را پرهیز از شرک دانسته و مرتبه پسین را پرهیز از سایر گناهان معرفی می‌کند. (محاسبی، ۵۱[۱])

شکل کامل‌تر این تحلیل را در رساله قشیریه می‌توانیم مشاهده کنیم. اگر چه محاسبی در تحلیل فوق به ذکر دو مرتبه نخستین تقوا یعنی پرهیز از شرک و سپس گناهان اکتفا کرده اما قشیری این تحلیل را ادامه داده و در همان چارچوب و با در نظر داشتن سایر مضامین شرعی و آموزه‌های دینی در این باب، مراتب تقوا را در چهار سطح توضیح می‌دهد: مرتبه اول: پرهیز از شرک، مرتبه دوم: پرهیز از گناه، مرتبه سوم: پرهیز از شبهات،

---

۱. التقوی التی أعدّ اللّه عز و جل الجنهٔ لأهلها اتّقاء الشرک، فما دونه من ذنب، من کل ما نهی اللّه عنه، أو تضییع واجب مما افترضه اللّه... و قد روی فی الحدیث ۱: «إن المنادی ینادی یوم القیامة: یا عِبادِ لا خَوْفٌ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ». (الزخرف، ۶۸) فترفع الخلائق رؤوسهم یقولون: «نحن عباد اللّه عزوجل. ثم ینادی الثانیة: الَّذِینَ آمَنُوا بِآیاتِنا وَ کانُوا مُسْلِمِینَ» (الزخرف، ۶۹) فینکّس الکفار رؤوسهم، و یبقی الموحدون رافعی رؤوسهم. ثم ینادی الثالثة: «الَّذِینَ آمَنُوا وَ کانُوا یَتَّقُونَ» (یونس، ۶۳) فینکس أهل الکبائر رؤوسهم، و یبقی أهل التقوی رافعی رؤوسهم».

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

مرتبه چهارم: پرهیز از هر امر غیر ضرور. (القشیری، ۱۸۸) قشیری در این تحلیل، پرهیز از شبهات و پرهیز از امور حلالِ غیرِ موردنیاز انسان را به عنوان دو مرتبه بالاتر تقوا ذکر کرده است. روشن است که او در افزودن این دو مرتبه به مراتب تقوا متأثر از حدیث شریف امام صادق در مصباح الشریعه است. این عبارت قشیری را که حاصل ترکیب دو تحلیل پیش‌گفته روایی از مراتب تقوا است را می‌توان نشانه‌ای بر این مطلب دانست که این دو تحلیل، تفاوت چندانی با هم ندارند و قابل جمع هستند چنانکه قشیری آنها در یک دسته‌بندی جمع کرد.

به این ترتیب تحلیل دوم در دسته‌بندی مراتب تقوا نیز با توجه به ریشه‌های روایی آن و نظر به رنگ و روی منطقیِ و ساده‌اش مورد توجه دانشمندان اسلامی قرار گرفته است، چنانکه ملاصدرا به زبان خود از همین تحلیل، برای تبیین مراتب تقوا بهره برده است. (صدرالمتالهین، ۲۳۶/۱) و البته این نگاه، در دیگر نوشته‌ها نیز به چشم می‌خورد. (برای نمونه نک : مجلسی، بحار الأنوار، ۱۳۶/۶۷؛ همو، مرآة العقول، ۳۲۵/۷؛ مازندرانی، ۱۶۰/۸؛ کبیر مدنی، ۹۳/۲ و...)

در مورد نهایی‌ترین مرتبه تقوا (یعنی پرهیز از هر چه جز خدا) تفسیر منسوب به امام صادق علیه السلام نیز منبع قابل توجهی است. در این کتاب چندین بار بر این نکته که تقوای حقیقی و نهایی، پرهیز از ما سوی الله است تأکید شده است. (همانجا، ۴۱/۱[۱]؛ همچنین نک : همانجا، ۲۶؛ ۵۴؛ ۵۹)

البته کتاب تفسیر منسوب امام صادق علیه السلام تنها منبعی نیست که سخن شریعت پیرامون پرهیز و گذار از هر چه جز خدا دارد، بلکه امام صادق علیه السلام ذیل آیه «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (الشعراء، ۸۹) فرمود: قلب سلیم، قلبی است که پروردگارش را در حالی که احدی جز او در آن نیست ملاقات می‌کند. قالَ (علیه السلام): «السَّلیمُ الذّی یَلْقی رَبَّهُ وَ لَیْسَ فیهِ احَدٌ سِواهُ» (کلینی، ۳/ ۲۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ۲۳۹/۶۷) ایشان همچنین در تفسیر آیه «وَ سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُورا» (الانسان،۲۱) فرمودند: شراب طهور، شرابی

---

۱. «یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِینَ» (مریم، ۸۵) قال جعفر: المتقی الذی اتقی کل شیء سوی اللّه.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

است که انسان را از هر چه جز خدا پاک می‌گرداند زیرا هیچ پاک و پاک‌کننده‌ای از آلودگی به اکوان، جز خداوند متعال نیست.[۱] «یطهرّهم عن کل شیء سوی الله إذ لا طاهر من تدنّس بشیء من الأکوان إلا الله» (طبرسی، ۶۲۳/۱۰) با تأمل در دو حدیث پیش‌گفته روشن می‌شود که پرهیز از هر چه جز خدا (که در مراحل نهایی تقوا مطرح است) امری مورد تأکید شریعت است.

۳-۲. مراتب تقوا از دیدگاه عارفان

اهل معرفت به لحاظ نوعِ علائقِ معنوی ـ سلوکیِ خاص خود، بیشترین توجه را به مبحث مراتب تقوا نشان داده‌اند. ابن عربی حتی اثری مستقل با عنوان «مراتب التقوی[۲]» دارد. (عثمان یحیی، ۵۵۱؛ حاجی خلیفه، ۱۶۵۰/۲)

تحلیل و بررسی مراتب مقامات و منازل البته عادتی است که معمولا در آثار مربوط به عرفان عملی به فراوانی به چشم می‌خورد. برای نمونه، خواجه عبد الله انصاری به این سنت، کاملا پایبند بوده و معمولا همه صد منزل از منازل السائرین خود را در سه مرتبه ابتدایی، متوسطه و پیشرفته و یا به تعبیری، عامه، خاصه و خاص الخاصه بیان داشته است.

عارفان مرتبه نخستین تقوا را ترک‌گفتن گناه و معصیت پروردگار و مرحله پیشرفته و نهایی تقوا را احتراز و پرهیز از هر چیزی جز خداوند متعال دانسته‌اند. آنها برای تبیین مراتب و مراحل میانی نیز تعابیر متفاوت و گاه، نگاه‌های متفاوتی ابراز داشته‌اند.

کلاباذی با استناد به سخنان مشایخ، مراتبی از تقوا همچون مرتبه پرهیز از منهیات حق متعال و مرتبه اجتناب از امور نفسانی را توضیح داده و تصریح می‌کند که تقوا در قاموس اهل معرفت مراتب بالاتری نیز دارد، چنانکه سهل تستری تقوا را به پرهیز از هر چه جز

---

۱. یعنی چنین انسانی تنها به دنبال اموری است که در راستای خواست و رضایت خدا است و جز خواست خدا خواسته او نیست. به تعبیر دیگر هرچه انجام می‌دهد یا واجب است یا مستحب؛ و اینها را هم با نهایت اخلاص یعنی فقط و فقط برای خدا انجام می دهد و جز خدا هیچ هدفی ندارد. «رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند».

۲. البته این اثر ابن عربی به چاپ هم اگر رسیده باشد (چنانکه زرکلی خبر از آن داده است (القونوی، ۳۲) فعلا در دسترس نیست. همچنین توجه داشته باشید که این اثر به قونوی نیز منسوب است. (همانجا)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

خدا است تعریف می‌کند. از نگاه او سالک متقی، تنها با خدا آرام می‌گیرد و تنهـا او و رضـای او را خوش دارد و از این‌رو، از هر چه جز او است می‌پرهیزد؛ چنانکه یکی دیگر از عارفان، تقـوا را به رهاکردن و ترک‌گفتن ما سوی الله تعریف کرده است. (کلاباذی، ۹۸-۹۹)

به باور قشیری نیز چنانکه گذشت، مراتب حقیقت تقوا با ترک‌گفتن بـزرگ‌تـرین گنـاه یعنی شرک شروع شده و پس از آن پرهیز از سایر گناهان قرار می‌گیرد. پس از این مرتبه، مرتبه پرهیز از شبهات، و در نهایت پرهیز از هر امـر غیـر ضـرور و لـو مبـاح قـرار دارد. چنانکه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است که: از نیکوئی مسلمانی مرد، دست برداشتن از آنچه او را به کار نیاید است.[۱]

به گفته قشیری، برخی عارفان، تقوا را در مراتب بالاتر، به اجتناب از هر چه که موجب دورشدن از حق متعال است تعریف کرده‌اند چنانکه از شبلی چنین نقل شده که ورع، پرهیز از تمامی ما سوی الله است. نصرآبادی، از مشایخ بزرگ اهل سلوک، نیز تقوا را به پرهیز از هر چه جز خدا تعریف کرده است.

در جمع‌بندی سخن عارفان درباره مراتب تقوا می‌توان گفت: اگر چه برخی گوناگونی‌ها در ارائه مطالب از دیدگاه عارفان در این مقوله به چشم می‌خورد ولی همه آنها معمـولا در کلیت مبحث، هم‌سویی دارند یعنی مراتب نخستین تقوا را با پرهیز از گناهان شروع می‌کنند و مرتبه نهایی آن را با رنگ و بویی از فنا و پرهیز از ما سـوا توضـیح مـی‌دهنـد، چنانکـه عبدالرزاق کاشانی می‌نویسد: «ان أول مراتب التقوی هو الاجتناب عن المنهیات الشـرعیـة و آخرها الاتقاء عن الأنانیة و البقیة.» (ابـن عربـی، ۳۵۳/۲؛ همچنـین ر.ک حقـی بروسـوی، ۶۲/۱۰) سید حیدر آملی نیز در همین راسـتا مـی‌نویسـد: «التقـوی... أدناهـا الاتّقـاء عـن المحرّمات الشرعیة، و أعلاها الاتّقاء عن رؤیة وجود الغیر مطلقا.» (آملی، ۲۸۷/۱) همچنـین رشید الدین میبدی در تفسیر خود، که در بسیاری موارد، انعکـاس‌بخـش نظـرات خواجـه عبدالله انصاری است، اشاراتی به این مطلب دارد. او در تفسیر آیه «**یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا**

---

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْکُهُ مَا لَا یَعْنِیه. (مجلسی، بحار الأنوار، ۲۱۶/۱)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ ما قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ» (حشر، ۱۸) درباره مراتب تقوا هم‌سو با این نگاه عارفان، چنین آورده است: «در یک آیه دو بار ذکر تقوی کرد. اوّل تقوای عام است از محرمات پرهیز کردن. دوم تقوای خاص است از هر چه دون حق است پرهیز کردن. و گفته‌اند: اول اشارتست باصل تقوی و دوم اشارتست بکمال تقوی.» (میبدی، ۶۱/۱۰)

این نگاه عرفانی آن قدر مشهور و مقبول افتاده است که حتی جای خود را در آثار حِکمی نیز یافته است چنانکه حکیم سبزواری در توضیح مراتب تقوا در شرح منظومه خود، متأثر از این تحلیل است. (نکـ : سبزواری، ۳۷۵/۵)

۳-۳. ارزیابی و تحلیل رویکرد عرفان اسلامی در مراتب تقوا با سنجه قرآن و روایات

پس از بررسی نگاه شریعت و همچنین عرفان اسلامی به مراتب تقوا روشن شد که اهل معرفت، برای تقوا مراتبی را به حسب مراتب سالکان الی الله در نظر گرفته‌اند و روشن شد که پیش از عارفان، مرتبه‌بندی تقوا در خود آموزه‌های دینی به چشم می‌خورد.

عارفان مسلمان پیش از سایر نحله‌های اسلامی و بیش از آنها به مبحث مراتب تقوا که نخستین بار از سوی شریعت و آموزه‌های گوناگون دینی مطرح شده است توجه نشان داده‌اند. چنانکه گذشت حدیث شریف امام صادق علیه السلام در مصباح الشریعه، مبنای تحلیل بسیاری از دسته‌بندی‌های مراتب تقوا قرار گرفته است و در طول قرون متمادی تا عصر کنونی، از سوی عارفان و غیر آنها مورد تأکید و استناد قرار گرفته است.

همچنین حارث محاسبی که از عارفان صدر نخستین تاریخ اسلام است با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحلیل دومی از مراتب تقوا ارائه داد که آن هم مبنای بسیاری از دسته‌بندی‌ها از سوی عارفان و غیر آنها قرار گرفته است.

در واقع قهرمان این مبحث دینی، اهل معرفت بوده‌اند و دیگر نحله‌ها در این مقوله، وام‌دار عارفان و تکرارکننده سخنان آنها هستند.

یک دلیل علاقه فراوان عارفان به مبحث مرتبه‌بندی منازل سلوکی (که در واقع، چیزی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

جز همان فضیلت‌های مورد تأکید قرآن و حدیث نیستند) آن است که بتوانند قله‌های فضیلت‌ها را شناسایی و سپس فتح کنند. بر این پایه، به مقوله مراتب تقوا نیز توجه نشان داده و نهایی‌ترین سطوح آن را به پیروی از آموزه‌های قرآنی و حدیثی، در «گذار از ما سوی الله» تحلیل کردند.[۱] «گذار از ما سوی الله» پس از عبور از همه حجاب‌ها و در مراحل نهایی سلوک، با ورود به منزل فنا، امکان‌پذیر است. و به این ترتیب روشن می‌شود که چگونه مرتبه متعالی تقوا با تعالیم عرفانی همچون فنا و وحدت وجود همراهی دارد و شاید این بخش از آموزه‌های دینی موجود در قرآن و روایات جز از طریق عرفانی قابل تبیین و تحلیل نباشد.

به هر روی، پس از سنجش سخن عارفان با شریعت معلوم شد که نه تنها این دو با هم همسویی دارند بلکه معانی بلند موردنظر شریعت از مراحل متعالی تقوا را جز عارفان تحلیل و تبیین نکرده‌اند و بهترین مفسر این بخش از شریعت، عارفان راستینند. به دیگر سخن، این دست از مباحث کلیدی شریعت را باید در فقه اکبر[۲]، و نه در سایر علوم ظاهری دنبال کرد. ابوحامد غزالی و به دنبال او ملاصدرا و فیض کاشانی تصریح می‌کنند که بحث از مراتب متعالی تقوا خارج از دایره مباحث فقیه است و باید آن را در علوم برتر عرفانی دنبال کرد. (غزالی ۳۳/۱؛ فیض کاشانی، ۵۸/۱؛ صدرالمتالهین، ۶۹/۲)

٤- نتایج مقاله

۴-۱. با آن که تقوا یک آموزه پربسامد در قرآن و حدیث بوده و به دنبال متون دینی، در تعالیم عرفان اسلامی نیز سخن از مقوله تقوا فراوان به چشم می‌خورد باید توجه داشت که آموزه تقوا یک اصطلاح برساخته شریعت، مغایر با معنای آن در لغت نیست. تقوا در لغت به معنای خودنگهداری از هر امر نامطلوبی است و در همین راستا، تقوا در لسان

---

۱. برای نمونه، امام خمینی در موارد فراوانی از آثار عرفانی خود با عنایت به آموزه‌های قرآنی و حدیثی، به «گذار و پرهیز از ما سوا» به عنوان مرتبه نهایی تقوا تأکید ورزیده است. نک: امام خمینی، صحیفه امام ۱۸/ ۵۱۸؛ آداب الصلاة ۶۵؛ ۱۸۶؛ ۳۶۸- ۳۶۹؛ سر الصلاة ۳۸؛ شرح چهل حدیث ۲۰۷- ۲۱۲ و...

۲. تقسیم «فقه» به «فقه اصغر» و «فقه اکبر» را بسیاری از بزرگان به رسمیت شناخته و به آن تصریح کرده‌اند. برای نمونه نک: (عصار، ۲۱۹ و اردبیلی، ۴۴۴/۳ و جوادی آملی، ۶۱۲/۱۸)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

شریعت به معنای خود نگهداری و پرهیز از هر امر مضرّ به ساحت معنویت انسانی است.

۴-۲. با بررسی متون عرفانی در تعریف تقوا و مشاهده استنادات مکرر آنها به آیات و روایات روشن شد که اهل معرفت در تعریف تقوا پیرو قرآن و حدیث بوده و به تبع شریعت، به معنای لغوی آن ناظرند.

۴-۳. در مبحث مراتب تقوا، این شریعت و آموزه‌های دینی است که برای نخستین بار باب سخن در این‌باره را گشوده است.

۴-۴. از آنجا که اهل معرفت بیش از دیگر نحله‌های اسلامی به مباحث باطنی شریعت و اعمال جوانحی پرداخته‌اند و از آنجا که منزل تقوا به مثابه یک منزل مهم در مراحل سیر و سلوک به شمار می‌آید، پس از شریعت، عارفان بیشترین توجه را به مسأله مراتب تقوا نشان داده اند. نشانه‌های روشنِ تأثر نوشته‌های عرفانی از متون روایی در این مبحث نیز گواه صحت و درستی دیدگاه عارفان درباره مراتب تقوا است.

۴-۵. پس از سنجش دیدگاه اهل معرفت پیرامون تعریف و مراتب تقوا با آموزه‌های قرآنی و روایی و روشن شدن هم‌سویی آنها با شریعت و پیروی آنها از قرآن و حدیث می‌توان چنین نتیجه گرفت که سخن عارفان در این باب و امثال آن بهترین و غنی‌ترین منبع برای تحلیل و تبیین آموزه‌های دینی در این‌باره است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.

۲. إبراهیم الأزدی، عبد الحق بن عبد الرحمن، العاقبة فی ذکر الموت، با تحقیق: خضر محمد خضر، مکتبة دار الأقصی، کویت، ۱۴۰۶ق.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.

۴. ابن عربی، محیی الدین؛ قاسانی، عبد الرزاق، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۶. اردبیلی، سید عبد الغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی (قدس سره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، تهران، ۱۳۸۵.

۷. الانصاری، زکریا بن محمد، نتائج الأفکار القدسیة فی بیان شرح الرسالة القشیریة، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۸ق.

۸. اوزجندی، ابو منصور، مرتع الصالحین و زاد السالکین (این برگ‌های پیر)، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳.

۹. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، [بی نا]، تهران، ۱۳۶۱.

۱۰. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الأصول، انتشارات آل البیت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۹ق.

۱۱. آملی، سید حیدر ، تفسیر المحیط الأعظم، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۲۲ق.

۱۲. بروجردی، حسین، الحاشیة علی کفایة الأصول، انتشارات انصاریان، قم، ۱۴۱۲ق.

۱۳. البیضاوی، عبد الله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، محقق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۱۴. تفسیر منسوب امام جعفر الصادق(ع) (در مجموعهٔ آثار السلمی)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۹.

۱۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶.

۱۶. همو، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

۱۷. تهانوی، محمد علی، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، مکتبة لبنان ناشرون، بیروت، چاپ: اول، ۱۹۹۶.

۱۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸.

۱۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، [بی‌تا].

۲۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۲۱. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دار الفکر، بیروت، [بی تا].

۲۲. خمینی، امام سید روح الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.

۲۳. همو. آداب الصلاة (آداب نماز)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۸.

۲۴. همو. سر الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۸.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

۲۵. همو. شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۸.
۲۶. الرازی، محمد بن ابو بکر، حدائق الحقائق، مکتبة الثقافة الدینیة، قاهرة، ۱۴۲۲ق.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء، تحقیق: عمر فاروق، انتشارات شرکة دار الارقم بن ابی الارقم، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۲۸. همو، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم؛ الدار الشامیة، بیروت؛ دمشق، ۱۴۱۲ق.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر، مقدمة الأدب، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶.
۳۰. سبزواری، ملا هادی، شرح المنظومة، نشر ناب، تهران، ۱۳۶۹-۱۳۷۹.
۳۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة با تصحیح صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۲. صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۳۵. طوسی، خواجه نصیرالدین، اوصاف الاشراف، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
۳۶. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۷. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیرعاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۳۸. العاملی، محمد بن حسین، کشکول شیخ بهایی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۹. عصار، محمد کاظم، علم الحدیث (مجموعه آثار عصار)، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
۴۰. غزالی، ابو حامد محمد، إحیاء علوم الدین، دار الکتاب العربی، بیروت، [بی تا].
۴۱. فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، موسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ق.
۴۲. قاضی سعید قمی، محمدسعید بن محمدمفید، شرح توحید الصدوق، به تصحیح نجفقلی حبیبی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۵ق.
۴۳. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.
۴۴. القرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحکام القرآن، تحقیق: أحمد البردونی و إبراهیم أطفیش، دار الکتب المصریة، قاهره، ۱۳۸۴ق.
۴۵. القشیری، ابوالقاسم عبد الکریم، الرسالة القشیریة، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۷۴.
۴۶. القونوی، صدر الدین، شرح الأسماء الحسنی، دار و مکتبة الهلال، بیروت، ۲۰۰۸ م.
۴۷. کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سیّد الساجدین، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
۴۹. کربلایی، شیخ جواد، الأنوار الساطعة فی شرح الزیاره الجامعة، دار الحدیث، قم، [بی تا].
۵۰. کلاباذی، ابوبکرمحمد؛ شریعت، محمدجواد، کتاب التعرف، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۱.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۵۲. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، المکتبة الإسلامیة، تهران، ۱۳۸۲ ق.
۵۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۵۴. همو، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۵۵. محاسبی، حارث بن اسد، الرعایة لحقوق الله، دار الیقین، مصر، ۱۴۲۰ق.
۵۶. همو، الوصایا، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۸۶ م.
۵۷. مستملی بخاری، اسماعیل، شرح التعرف لمذهب التصوف، انتشارات اساطیر، تهران، ,۱۳۶۳
۵۸. مصباح الشریعة، منسوب به امام صادق مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۵۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۷.
۶۰. مظاهری، حسین، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، مترجم: محمود ابوالقاسمی و حمیدرضا آژیر، انتشارات ذکر، تهران، ۱۳۸۳.
۶۱. میبدی، ابو الفضل رشید الدین، کشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیر کبیر، تهران، ,۱۳۷۱
۶۲. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، [بی تا].
۶۳. نوری، حسین بن‌محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البیت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۸ق.
۶۴. الیافعی، عفیف الدین عبد الله بن اسعد، نشر المحاسن الغالیة فی فضائل مشایخ الصوفیة أصحاب المقامات العالیة، مکتبة الثقافة الدینیة، قاهرة، ۱۴۲۴ق.
۶۵. یحیی، عثمان؛ الطیب، احمد محمد، مؤلفات ابن عربی تاریخها و تصنیفها، الهیئة المصریة العامة للکتاب، مصر، ۲۰۰۱ م.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.11.2]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]